

تبلیغاتی رژیم یک کشور، از یک اتحادیه صنفی یک کشوری دیگر، به لحاظ شکل، جهت گیری و تأثیرات بعدی قطعاً کم نظیر است. این حرکت در کارزارهای مردمی علیه قدرت‌های استبدادی و رژیم‌های سرکوبگر می‌تواند به عنوان یک نقطه عطف به ثبت برسد و اتکاء و اعتماد به نیروی هم‌بستگی جهانی را در میان آنانی که علیه جباریت و ستم‌گری می‌جنگند تقویت کند.

در پهنه جهانی نیز خیزش مردم برای ساختن دنیائی نو در سالی که سپری شد آهنگی شتابان‌تر گرفت. جنبش نوپای ضد سرمایه‌داری در این سال نیز پیشاپیش حرکت‌هایی قرار داشت که برای رهایی انسان سیاره ما از فلاکت سرمایه نبرد می‌کنند و دست‌آوردهایی پراهمیت داشت. این جنبش سال پیش نیز از مرزهای جغرافیایی بیش‌تری عبور کرد و با به چالش خواندن فاصله‌های محلی و مکانی، و هم‌زمان با به رسمیت شناختن تعلقات خونی، زبانی و فرهنگی، مفهوم تازه‌ای از انسان جهانی به دست داد. ظهور یک کارگزار تغییر و یک بازی‌گر جهانی نوین که اندام‌های آن تا دورترین آبادی‌ها و منزوی‌ترین اجتماعات گسترده بود یکی از نتایج چنین فرآیندی بود. این جنبش نه تنها در هم‌بسته ساختن جغرافیایی کارزارهای ضد سرمایه‌داری - یعنی در عرض - بلکه در گره زدن انگیزه‌ها و زمینه‌های اقدام و حرکت، و غلبه بر انزوای جنبش‌های تک مضمونی - یعنی در عمق - نیز به پیش‌روی ادامه داد. ره‌آورد این تحول دو سویه بود: از یک سو در جنبش‌های تک مضمونی گرایش به رهایی از اسارت مکانی، و جهانی شدن تقویت شد. و از سوی دیگر حرکت ضد سرمایه‌داری توانایی بیشتری یافت برای ورود به قلمروهای معین، تعریف شده و تا حدی خصوصی. اعلام روز جهانی اعتصاب زنان و دومین برگزاری با موفقیت آن در هشت مارس سال جاری، شاید یکی از بهترین نمونه‌هایی باشد که این گره خوردگی

را منعکس می‌سازد. این حرکت از یک طرف توانست زنان را از استرالیا و کانادا تا اطریش و فرانسه و از مکزیک و آرژانتین تا سنگال و کنگو و چاد متحد سازد و جنبش زنان را جنبشی جهانی سازد، از طرف دیگر با تأکید برخواست‌هایی چون برابری دستمزد برای زنان و مردان، پرداخت دستمزد کامل به همه انواع کارهای پرداخت نشده، از جمله نگهداری و پرورش کودکان؛ جنبش زنان به جنبش را جهانی ضد سرمایه‌داری پیوند می‌دهد و آن را گسترش می‌دهد.

کارزار جهانی ضد سرمایه‌داری در سالی که گذشت در عرصه فرهنگی نیز توانست دست‌آوردهایی نصیب خود سازد. در دنیائی که سرمایه‌داری کوشیده است آن را به صحنه رقابت موش‌های صحرائی و جنگ میان گلاادیاتورها تقلیل دهد، جنبش ضد سرمایه‌داری توانست مفاهیم و ارزش‌های متفاوتی را معرفی کند. این جنبش نشان داد انسان می‌تواند دنیای ارزشی خود را از محدوده مناسبات بازار بیرون کشد و به مفهیمی باور داشته باشد که در منطق مبادله کالایی نمی‌گنجد و نمی‌توان آنها را خرید و فروخت. در این کارزار بود که بسیاری از این مفاهیم، هم چون همبستگی، فداکاری، هم‌پشتی و همراهی بار دیگر به فرهنگ مکالمات روزانه بازگشتند و برخی حتی خود را به ادبیات رسانه‌های رسمی نیز تحمل کردند.

در همراهی با این تحول‌ها، منطق طبقاتی جنبش جهانی ضد سرمایه‌داری نیز شفافیت بیشتری یافت. در سالی که گذشت بر شمار اتحادیه‌ها و احزاب کارگری که از این جنبش حمایت کردند و در سطح جهانی در اقدامات و حرکت‌های آن شرکت جستند به‌نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. این امر به تلاش برای تحول جنبش ضد سرمایه‌داری به یک جنبش سوسیالیستی را نیرو بخشید. از هم اکنون، اما، به وضوح آشکار است که جهت‌گیری سوسیالیستی این جنبش لزوماً در جهت تکرار تجربه‌های انترناسیونال‌های

سوسیالیستی و یا کمونیستی نیست. برداشت‌های متفاوت از مفاهیم چون رهبری، سازمان‌دهی و شیوه‌های بسیج و اقدام، جای تردیدی نگذاشته است که جهان معاصر مواجه است با پیدایش یک جنبش نوین. این جنبش نه تنها بر پایه برداشتی متفاوت از طبقه کارگر و مبارزه آن علیه سرمایه استوار است، بلکه بی‌تردید در صفوف آن از مفهوم از سوسیالیسم به‌عنوان یک سیستم اجتماعی و یک نظام سیاسی نیز بیش از یک درک وجود دارد.

به کارگیری گسترده تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات توسط جنبش ضد سرمایه‌داری در سالی که گذشت این جنبش را قادر ساخت تا قدرت کنترل سرمایه و نهادهای ملی و بین‌المللی آن را به چالش طلبد و بر ظرفیت تحرک و مانور خود بی‌افزاید. مقابله این جنبش با سلطه انحصارات بر بازار نرم‌افزار و تلاش برای کالادائی از عرضه اطلاعات، می‌تواند در آینده تأثیرات بسیار تعیین‌کننده در اشکال مقابله و رویارویی کار و سرمایه داشته باشد. امکانات وسیع و به سرعت در حال گسترش رایانه‌ای، قطعاً اشکال سازمان‌دهی، بسیج و اقدام را دست‌خوش تغییر خواهند کرد. در این رهگذر کم‌تر تردیدی وجود دارد که قدرت تأثیرگذاری جنبش‌های اجتماعی - طبقاتی معاصر و مقدم بر همه جنبش ضد سرمایه‌داری به سرعت در حال گسترش است. این امر نمی‌تواند موازنه موجود میان کار و سرمایه را بر هم نزند و موقعیت نیروی کار را در نبردهایی که در پیش است بهبود نبخشد.

اکنون چرخ زمان دیگر بار چرخیده است. سالی به حافظه تاریخ رفته است و سالی دیگر خود را در شکوفه و آفتاب و آب باز یافته است. آنان که در نیمه راه ساختن دنیائی نو، مرز سالها را می‌شکنند و تقویم پر شکوفه‌ترین نروزها را می‌نویسند. بر آنان و بر نروز آنان، سلام!